

رابطه رشد اخلاقی معلم با تفکر خلاق در دانش آموزان

سپیده اخوان^۱

تکتم ملاحی^۲

کامبیز پوشنه^۳

علی اکبر خسرو بابادی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه رشد اخلاقی معلم با تفکر خلاق در دانش آموزان در سال ۱۳۹۷ انجام شد. پژوهش حاضر با توجه به هدف از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت، از نوع توصیفی - همبستگی می باشد. جامعه آماری در پژوهش حاضر، عبارت است از کلیه معلمان و دانش آموزان در مدرسه امیرالمومنین که ۲۱ معلم و ۸۳۶ دانش آموز اعلام شده است، می باشد. ابزار پژوهش پرسشنامه های استاندارد تفکر خلاق کارتر (۲۰۰۹) و پرسشنامه رشد اخلاقی هایت و گراهام (۲۰۰۷) بود. یافته های پژوهش نشان داد که نمرات تفکر خلاق دانش آموزان به صورت مثبت و در سطح معنی داری ۰,۰۱ با رشد اخلاقی معلمان و مولفه های آن همبستگی مثبت دارد. به منظور پیش بینی رابطه بین رشد اخلاقی معلمان و تفکر خلاق دانش آموزان از روش تحلیل رگرسیون استفاده شد نتایج به دست آمده نشان داد که ضریب تعیین حاصل برابر با ۰/۷۱۵ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۰۴ گزارش شده است، یعنی حدود ۷۱ درصد از واریانس تفکر خلاق در دانش آموزان از طریق رشد اخلاقی معلمان تبیین و توجیه شده است (سطح معناداری ملاک $P \leq 0.05$ است). باتوجه به این که یکی از مهم ترین ابعاد سنجش عملکرد معلمان را می توان عامل میزان پایبندی آن ها به اصول و رفتار اخلاقی و حرفه ای قلمداد نمود که می تواند تاثیر چشمگیری، هم از نظر ارتقای بهره وری معلمان و هم در افزایش تفکر خلاق در دانش آموزان داشته باشد.

واژگان کلیدی: رشد اخلاقی، تفکر خلاق، دانش آموزان، معلم

۱. دانشجوی ارشد مطالعات برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

Akhavan418@gmail.com

۲. دانشجوی ارشد مطالعات برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۳. عضو هیئت علمی رشته مطالعات برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۴. عضو هیئت علمی رشته مطالعات برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

در سه دهه گذشته، تحقیق بر تاثیر متقابل اخلاق، معنویت، مذهب و مولفه های روانشناختی، به طور چشمگیری افزایش یافته است (رحمانی، ۱۳۹۰: ۱۸). به گونه ای که در دهه اخیر متخصصان بالینی علاقه بسیاری به کاربرد مولفه های معنوی، اخلاقی در روان درمانگری (آتن و ایچ، ۲۰۰۹: ۷۴) و حتی یکپارچه سازی این حوزه ها داشته اند (گرفت^۱، ۲۰۰۲: ۹۰). این افزایش علاقه، افزون بر پژوهش های بنیادی در حوزه پژوهش های کاربردی نیز مشهود بوده است و اغلب به بررسی آثار مستقیم یا غیر مستقیم و مثبت یا منفی معنویت، اخلاق و دین بر سلامت روانی پرداخته اند (جیمز^۲ و ولز^۳، ۲۰۰۳: ۵۸). اولویت هر نظام تربیتی، آن است که مقاومت در برابر وسوسه گری ها را به طور ذاتی در افراد برانگیخته و احساس ندامت و گناه را در موارد نقض هنجارهای اخلاقی، بدون نیاز به حضور تعیین کننده های خارج از ذات تجربه کنند. یعنی وضعیتی که انتقال از عوامل بیرونی به احساسات درونی و باورهای اخلاقی به عنوان بنیان های رفتار اخلاقی^۴، ویژگی اصلی آن به شمار می رود؛ چیزی که به اعتقاد بسیاری از دانشمندان حوزه های مربوط فرایند اصلی تحول اخلاقی تلقی می شود (شریفی، ۱۳۸۸: ۳۶).

در زمینه این فرایند اساسی، که اصطلاحاً درونی سازی هنجارهای اخلاقی نامیده می شود، مباحث متعددی در حوزه دانش های اجتماعی مرتبط، از قبیل تعلیم و تربیت و روان شناسی تحولی و حتی روان شناسی اجتماعی مطرح است. یک یا چند بُعدی بودن این فرایند، میزان تأثیرگذاری هر یک از ابعاد مفروض در جریان وقوع آن، تصویر زمان مند مراحل احتمالی آن، پیشایندهای درونی سازی اخلاقی، مقایسه نقش درونی سازی و جایگاه عوامل موقعیتی بر رفتار اخلاقی، بخشی از خطوط پژوهشی مرتبط با این موضوع را تشکیل می دهند. یکی از مباحث مهمی که در مورد این فرایند تحولی، همواره مورد اهتمام پژوهشگران و نظریه پردازان با نفوذ در علوم اجتماعی بوده است، مسئله سازوکارهای درونی سازی هنجارها در انسان و چگونگی وقوع این پدیده مهم در ضمن فرایندهای تحولی دیگر است. مسئله دیگری که رویکردهای عمده روان شناختی در این زمینه مطرح می کنند، منشأ درونی یا بیرونی ارزش های اخلاقی، به ویژه آن دسته از فرایندهایی است که این ارزش ها را در درون افراد شکل داده، سازمان دهی می کنند (خرازی افرا، ۱۳۹۳: ۵۰).

هر چند ارزش های اخلاقی و هنجارهای رفتاری مورد پذیرش فرهنگ های گوناگون، در جوامع مختلف انسانی با یکدیگر تفاوت دارند، اما هر جامعه، نظامی از ضوابط مشخص و ملاک هایی برای رفتارهای

-
1. Athens Vaych
 2. Girift
 3. James
 4. Wales
 5. Ibid

درست و نادرست اعضای خود تدارک می‌بیند. کنش اساسی دیگر هر نظام اجتماعی، در همه جا، کوشش برای آموزش و انتقال معیارهای اخلاقی مورد نظر، ایجاد و تقویت زمینه‌ها و شرایط لازم برای ظهور هر چه بیشتر رفتارهای پسندیده و کاهش نابهنجاری‌های رفتاری در میان آحاد آن جامعه، به ویژه در دهه اول و دوم زندگی آن‌ها، از طریق برقراری نظام تربیتی کارآمد و مؤثر می‌باشد. اگر نظام توالی مرحله‌های تحوّل انسان را ملاک قرار دهیم، عواملی که در مراحل اولیه تحوّل، نقش اصلی را در مهار رفتار کودکان به عهده دارند، تعیین‌کننده‌های بدون واسطه بیرونی، از قبیل نفوذ و اقتدار یک چهره مهم و مقتدر یا ترس از شکل‌های گوناگون تنبیه می‌باشند. با وجود این، چنین به نظر می‌رسد که به موازات افزایش سن، سازوکارهای مهارکننده رفتار، به شکل فزاینده‌ای از طریق ملاک‌هایی که کارکرد اصلی آن‌ها در غیاب قید و بندهای خارج از وجود فرد بروز پیدا می‌کند، تأثیرگذار خواهند بود. نظام‌های تربیتی موجود هم، فراتر از آموزش‌های اخلاقی، وضعیتی را نشانده‌اند که آدم‌ها در صورت نقض هر یک از ملاک‌های موردنظر، نوعی تنش درونی را تجربه کرده و در فرض رعایت آن‌ها، احساس رضایت باطنی و آرامش خاطر داشته باشند. به بیان دیگر، اولویت اساسی‌تر هر نظام تربیتی، آن است که مقاومت در برابر وسوسه‌گری‌ها را به طور ذاتی در افراد برانگیخته و احساس ندامت و گناه را در موارد نقض هنجارهای اخلاقی، بدون نیاز به حضور تعیین‌کننده‌های خارج از ذات تجربه کنند (خرازی افرا، ۱۳۹۳: ۵۱). یعنی وضعیتی که انتقال از عوامل بیرونی به احساسات درونی و باورهای اخلاقی به عنوان بنیان‌های رفتار اخلاقی^۱، ویژگی اصلی آن به شمار می‌رود؛ چیزی که به اعتقاد بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مربوط فرایند اصلی تحول اخلاقی تلقی می‌شود (نوابخش، ۱۳۸۵: ۳۸). تفکر خلاق مهارتی است که شخص از تلفیق مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری از افکار یا روابط نو برخوردار شده و قدرت کشف و انتخاب راه‌حل‌های جدید را پیدا می‌کند. قدرت تفکر خلاق به شخص امکان می‌دهد از دایره بسته تجربیات محدود خویش خارج گردد و به فراسوی تجارب بنگرد. بدین‌سان زندگی فرد انعطاف‌پذیر می‌شود و از تمام جوانب به پدیده‌ها می‌نگرد. توانایی تفکر خلاق اجزایی دارد که عبارت‌اند از: تفکر مثبت، یادگیری فعال به‌وسیله جست‌وجوی اطلاعات جدید، ابراز وجود، تشخیص حق انتخاب‌های دیگر برای تصمیم‌گیری، تشخیص راه‌حل‌های جدید برای مشکلات. تفکر خلاق با تفکر واگرا رابطه‌ای مستقیم دارد. افراد با تفکر واگرا سعی می‌کنند پدیده‌ها و امور افکار را آن‌چنان که هستند به راحتی نپذیرند، بلکه نگاه متفاوت تری داشته باشند و از قالب‌های فکری همسان دور شوند، به عبارتی پدیده‌ها را با چشم و منظر دیگری نگاه کنند. اما در تفکر همگرا، فکرهای جدید و نو کمتر راه پیدا می‌کند و افراد امور و پدیده‌ها را آن‌چنان که هستند می‌بینند و می‌پذیرند (رحمانی، ۱۳۹۰: ۸۳).

تقویت تفکر خلاق ما را در تصمیم‌گیری بهتر و حل مسئله کمک می‌کند و ما را از بن‌بست‌های زندگی خارج می‌نماید، تفکر خلاق نه تنها شخص را قادر می‌سازد که از تجربیات قبلی خود استفاده نماید و آن را با موفقیت‌های تازه ارتباط دهد. بلکه قادر خواهد بود ارتباط بین چیزهایی که قبلاً با هم بی‌ارتباط بوده‌اند را پیدا کند که از نظر خود فرد تازه و معنادار می‌باشند همچنین می‌تواند از روش‌های غیر سنتی برای حل مسئله استفاده کند و فراتر از اطلاعات گام بردارد (شریفی، ۱۳۸۸: ۶۳). ویژگی‌های افراد دارای تفکر خلاق عبارتند از: افراد خلاق علاقمند به نوآوری، پیچیدگی و اتخاذ تصمیم مستقل هستند؛ برای افراد خلاق پدیده‌ها و اشیا پیچیده به اشیا و پدیده‌های ساده ارجحیت دارد؛ افراد خلاق مایل‌اند خود تصمیمی مستقل اتخاذ کرده از پیروی و اطاعت از دیگران تا حدی دوری می‌کنند؛ افراد خلاق می‌توانند میان جنبه‌های مختلف پدیده‌ها وحدت ایجاد کنند؛ میان افکار مختلف و جنبه‌های کلامی و غیرکلامی و نیز جنبه‌های عینی و ذهنی ارتباط و هماهنگی برقرار کنند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۳).

اما این خلاقیت همیشه بروز نخواهد کرد بلکه باید شرایط خاصی فراهم گردد. شرایط ابراز تفکر خلاق عبارتند از: داشتن آزادی در ابراز عقیده: فرد باید بتواند به راحتی و بدون هیچ اضطراب و ترسی عقاید خود را بیان کند؛ داشتن اعتماد به دانش و مهارت‌های شخصی: شخص بتواند با تکیه و اعتماد به آموخته‌های خود چیزهای منحصر به فرد بیافریند ولی نباید انتظار کشف عجیب و بزرگ را داشته باشد؛ داشتن فرصت و زمان کافی: محدودیت زمانی می‌تواند فشاری ایجاد کند که مانع از تقویت تفکر خلاق شود. چرا که زمان فقط برای یادگیری اهداف از قبل تعیین شده، مشخص گردیده است؛ مهم دانستن اشتباهات: خود اشتباهات نیز مهمند. چرا که تفکر را به جلو هدایت می‌کنند و برای پرورش فکر، حیاتی هستند؛ کسب موفقیت: به دست آوردن موفقیت‌های جدید باعث یادگیری راه‌های تازه شده و به پرورش اعتماد به نفس شخص و بروز احساس توانایی (من می‌توانم) کمک می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۲: ۳۰). با توجه به مطالب گفته شده پژوهشگران به دنبال پاسخ به این سوال هستند که آیا بین رشد اخلاقی معلم با تفکر خلاق در دانش آموزان رابطه‌ای وجود دارد؟

ادبیات نظری

از نظر کلبیگ رشد اخلاقی دارای سه مرحله قضاوت اخلاقی است. مرحله یک کلبیگ، مانند اخلاق بیرونی پیازه، منعکس‌کننده گرایش طبیعی کودکان کم سن و سال به مجسم کردن ایده‌های اخلاقی در مکان‌ها یا رویدادهای عینی است. اخلاق مرحله یک دربردارنده درک فیزیکی از مرجعیت اخلاقی است. همچنین پایبندی به یک قاعده با توسل به پیامدهای فیزیکی توجیه می‌شود. ویژگی‌های فیزیکی شاخص یک موقعیت (مثل اندازه و موضوعات یا پیامدهای فیزیکی)، توجه و تخیل کودک کم سن و سال را تسخیر کرده و بر قضاوت اخلاقی او حاکم است (خرازی افرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۸).

با افزایش سن، مرحله یک جای خود را با قضاوت اخلاقی پیشرفته تری عوض می‌کند. اخلاق تبدیلی پیازه (این در مقابل آن) بر مرحله دو کلبرگ منطبق است. چشم‌انداز مرحله دو عملگرایانه است (افزایش ارضای نیازها و تمایلات فرد و کاهش پیامدهای منفی برای وی). این مفروضه که دیگران نیز بر همین اساس عمل می‌کنند، به تأکید بر مبادله ابزاری^۱ منجر می‌شود. برای مثال، عمل به تعهدات مهم است، چراکه موجب می‌شود دیگران نیز به تعهدات خود نسبت به ما پایبند باشند و برای ما کارهای خوب انجام دهند یا این که این پایبندی برای جلوگیری از عصبانی شدن آن‌ها لازم است. سرانجام، کلبرگ هماهنگ با پیشرفت از اخلاق تبدیلی به اخلاق ایده‌آل، مرحله سوم خود را توصیف می‌کند. «در مرحله سه، دیدگاه‌های متفاوت افراد در چارچوب دیدگاه سومی هماهنگ می‌شوند؛ یعنی روابط مبتنی بر اعتماد متقابل. دوجانبه‌گرایی مرحله سه به فرد امکان می‌دهد تا از ایده‌های عینی در مورد مبادله برابر، فراتر رفته و در مسیر حفظ روابط، توجه به انتظارات دیگران و احساسات قدردانی و تعهد، حرکت کند(نوابخش، ۱۳۸۵: ۴۰).

کلبرگ معتقد بود که سطوح اخلاقی پیازه تمام ابعاد استدلال اخلاقی آزمودنی‌های نوجوانش را پوشش نمی‌دهد. برای مثال، نوجوانان بزرگ‌تر علاوه بر اعتماد یا مراعات دوجانبه در روابط، نیازمند پذیرش معیارها و انتظارات مشترک در جامعه هستند. در فقدان «ادراکات» مشترکی، نظیر تعهد به حفظ حقوق یکدیگر و ایفای نقش اجتماعی، نه فقط جامعه پیشرفت نمی‌کند، بلکه باید منتظر وقوع هرج و مرج باشیم، چراکه هر فرد فقط از قوانین خود تبعیت می‌کند. به این ترتیب، کلبرگ، سکانس سه سطحی اصلی پیازه را به چهار مرحله، شامل سطح اجتماعی قضاوت اخلاقی، گسترش داد(گرفت^۱، ۲۰۰۲: ۹۵).

نتیجه آن که روند سنی کلی در قضاوت اخلاقی در تحقیقات پیازه و کلبرگ، از سطحی ابتدایی (اخلاق بیرونی یا مرحله یک، اخلاق عملگر یا پراگماتیک یا مرحله دو) آغاز شده و به سطحی عمیق‌تر و رشد یافته‌تر مبتنی بر درک منطقی زیربنایی ارزش‌های اخلاقی، تکامل می‌یابد. ادراک اخلاقی ر شد یافته ابتدا در روابط بین فردی به کار رفته (مرحله سه، اعتماد متقابل یا مراعات دوجانبه در مبنای روابط بین فردی)، و سپس به مؤسسه‌ها و شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد (مرحله چهار، معیارها و «ادراکات» مشترک به عنوان مبنای زندگی اجتماعی). این روند سنی مبنای تدوین مقیاس ارزیابی قضاوت اخلاقی، تحت عنوان مقیاس تفکر اجتماعی اخلاقی، قرار گرفته است. روند سنی سطحی — عمیق قضاوت اخلاقی در بررسی‌های طولی و نیز در تحقیقات بین فرهنگی، تأیید شده است. کلبرگ (۱۹۸۴) مراحل یک و دو را تحت عنوان سطح «پیش‌قراردادی»، با تعریف «دیدگاه فردی عینی»؛ سطح سه و چهار را تحت عنوان سطح «قراردادی»، با تعریف «دیدگاه عضوی از جامعه»؛ و مراحل پیشرفته‌تر را با ویژگی استدلال مبتنی بر اصول اخلاقی، تحت عنوان سطح «فرا

قراردادی»، با تعریف «دیدگاه مقدم بر جامعه» طبقه‌بندی کرده است. کلبیگ می‌نویسد که افراد فرا قراردادی خود را از قوانین و انتظارات دیگران متمایز ساخته و ارزش‌های خود را بر اساس اصول خودبرگزیده تعریف کرده‌اند. مرحله پنج با اصول تعامل اجتماعی مشخص می‌شود، در حالی که مرحله شش بر اصول جهانی عدالت تمرکز یافته است (رحمانی، ۱۳۹۰: ۱۸).

به نظر می‌رسد که انتظارات پی‌آمیزه در مورد مراحل رشد یافته، ناظر به مراحل است که به طور عادی در جامعه بشری قابل مشاهده است و نسبتاً خودانگیخته و غیرمتأثر از ایدئولوژی‌های فرهنگی است. اما مراحل پنج و شش در نظریه کلبیگ از نظر تحقیقات تجربی محل تأمل بوده و به بررسی‌های تکمیلی نیاز دارد. کلبیگ (۱۹۸۴) دریافت که تنها سی‌زده درصد از آزمودنی‌هایش به مرحله پنج رسیده‌اند و همه این آزمودنی‌ها تحصیلات آکادمیک داشتند. اسناری^۱ نیز در بررسی‌های بین‌فرهنگی خود به این نتیجه رسید که فراوانی افراد متعلق به مرحله پنج در نمونه‌ها به ندرت بالاست و در قبایل سنتی یا جوامع روستایی به کلی چنین افرادی مشاهده نشده‌اند. علاوه بر این، هیچ‌یک از نمونه‌های طولی کلبیگ به مرحله شش نرسیدند. این تحقیقات، کلبیگ را به این استنتاج رساند که از ادعاهای تجربی در مورد مرحله شش دست بردارد، هرچند او همواره از مرحله پنج به عنوان مفهومی مبتنی بر تجربه دفاع کرده است. کلبیگ اذعان داشت که تعریف او از مرحله شش مبتنی بر نوشته‌های یک نمونه نخبه (الیت) کوچک است. الیت به معنای فردی که آموزش‌های فلسفی رسمی را پشت سر گذارده و از توانایی رهبری اخلاقی جامعه بهره‌مند است. اسناری نتیجه گرفت که حتی مرحله پنج مبتنی بر فلسفه‌های فردگرایانه کانت و راولز و سایر فلاسفه غربی مبتنی است، از این‌رو، از حیث تجربی ناقص بوده و برای توصیف آن بایستی جوامع جمع‌گرا را نیز بررسی کرد. تفکر خلاق به معنای قدرت پرورش راه حل‌های جدید برای حل مسائل و مشکلات است و این بیان دیگری از «خارج از چارچوب فکر کردن» می‌باشد (خرازی افرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶). بعضی از افراد به طور طبیعی خلاق‌تر از دیگران هستند، اما هر کسی می‌تواند تفکر خلاق را با تمرین مداوم در خود تقویت کند. حل کردن معما، انجام بازی‌های فکری، خیال‌پردازی و انجام دادن کارها به روش غیر معمول به شما در پرورش فکری خلاق کمک خواهد کرد. افراد با داشتن این ویژگی توانایی ارائه راه حل‌های جدید برای انجام وظایف، حل مشکلات و مقابله با چالش‌ها را در خود ایجاد می‌کنند و گاه دیدگاه‌های تازه و غیر متعارف را برای کار خود به ارمغان خواهند آورد. این روش تفکر می‌تواند به شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف در جهت رشد و سازندگی کمک کند (هاشمی، ۱۳۸۲: ۳۴).

بعضی از توصیف‌های شغلی نشان می‌دهد که تفکر خلاق در بسیاری از مواقع لازم و گاه ضروری است، و آموزش و پرورش خواستار افرادی خلاق در مدرسه‌ها و سازمان‌ها برای افزایش هر چه بیشتر راندمان کاری هستند. در این صورت، باید در هنگام مصاحبه شغلی علاوه بر مهارت‌های مورد

1. Snarey

نیاز نمونه‌هایی از نحوه خلاقیت خود نشان دهید. حل خلاقانه مسائل به عنوان یک روش نوین و نوآورانه در نظر گرفته می‌شود. یک فرد با این ویژگی راه حل‌های جدید و خلاقانه را به سادگی شناسایی و برای حل مشکل به مرحله اجرا در می‌آورد. شما ممکن است به روش‌های نوینی برای کاهش مصرف انرژی، کاهش هزینه در طی یک بحران اقتصادی، یا ایجاد یک استراتژی برای جلب رضایت مشتریان نیاز داشته باشید (آتن و ایچ، ۲۰۰۹: ۸۰).

روش

پژوهش حاضر با توجه به هدف از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت، از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری در پژوهش حاضر، عبارت است از کلیه معلمان و دانش‌آموزان در دبیرستان دخترانه پیمانان (منطقه ۷) دوره دوم - تهران در سال ۱۳۹۷ که حدود ۳۳ معلم و ۸۰ دانش‌آموز اعلام شده است، می‌باشد. در این تحقیق، با توجه به گستردگی جامعه آماری و میسر نبودن امکان اجرای تحقیق بر روی کل جامعه، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. برای تخمین تعداد نمونه از فرمول کوکران و مورگان استفاده شده است. فرمول کوکران یکی از کاربردی‌ترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است. تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و مورگان نیازمند آن هستند که حجم جامعه را بدانید. بر اساس تعداد دانش‌آموزان که ۸۳۶ نفر اعلام شده است، حجم نمونه ۲۶۳ نفر انتخاب گردید. لازم به ذکر است که تمام ۲۱ معلم پرسشنامه داده شد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، برای نگارش ادبیات تحقیق از برر سی کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌های تجربی در خصوص سوال‌های تحقیق از روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل همبستگی و رگرسیون با رعایت پیش‌فرض‌ها و با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

پرسشنامه تفکر خلاق: پرسشنامه تفکر خلاق کارتر در سال (۲۰۰۹) ساخته شده است و دارای ۳۰ گویه می‌باشد. ضریب پایایی ایرانی کلی این مقیاس در پژوهش سیفی قوزلو (۱۳۹۱) که ۱۲۵ زوج (۲۵۰ نفر) با میانگین سنی در زنان حدود ۳۴ سال و مردان نیز حدود ۳۷ سال حضور داشتند با

استفاده از آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۹. بدست آمده است که نشان دهنده همسانی درونی مناسب است. همچنین به منظور تعیین اعتبار مقیاس از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است که نتایج نشان داد که نسبت خی دو در درجه آزادی برابر با ۱/۱۲ که این مقدار با توجه به ملاک مد نظر بیانگر ارزش مناسب مدل مفهومی داده ها است. نمره گذاری پرسشنامه، به صورت لیکرت می باشد (اما برخی از سوالات نمرات معکوس دارند) و از مجموع نمرات هر زیرمقیاس نمرات آن زیرمقیاس بدست می آید و از مجموع کل آن زیرمقیاس ها نمره کلی بدست می آید (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۳).

پرسشنامه رشد اخلاقی: هایت و گراهام^۱ (۲۰۰۷) به ایجاد تئوری بنیان های اخلاقی (MFT) و پرسشنامه مبانی اخلاقی پرداختند که به اندازه گیری پنج بعد اخلاقی: بعد آسیب / مراقبت، بعد انصاف، بعد وفاداری به گروه، بعد احترام به مرجعیت و بعد خلوص می پردازد و استفاده از این پنج بنیاد اخلاقی فراهم آوردن فرصتی برای درک بهتر تنوع اخلاقی است. این مقیاس شامل ۳۰ عبارت است که به منظور ارزیابی و سنجش ابعاد پنج گانه اخلاق که به عقیده هایت و گراهام این پنج بعد، ابعاد اساسی و بنیادی اخلاق در بین فرهنگ ها و هویت های مختلف قومی، نژادی و زبانی هستند، می پردازد. در تحقیق هایت و گراهام شرکت کنندگان ۳۴۴۷۶ بزرگسال بوده اند که میانگین آلفای کرونباخ برای هر بعد به ترتیب مراقبت و آسیب ۰/۶۹، انصاف و بی طرفی ۰/۶۵، وفاداری به گروه ۰/۷۱، احترام به مرجعیت ۰/۷۴، اخلاص و پاکی ۰/۸۴. می باشد که نشان دهنده همسانی درونی مناسب است، برای تعیین پایایی پرسشنامه به روش بازآزمایی، پرسشنامه بنیان های اخلاقی به ۱۲۳ دانشجو در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی با میانگین سنی ۲۰/۱ که ۶۹/۹٪ آن زن بودند بعد از ۳۷/۴ روز شرکت کنندگان برای دومین بار پرسشنامه را پر کردند. همبستگی پیرسون برای هر بعد به ترتیب بعد مراقبت/آسیب ۰/۷۱، بعد انصاف ۰/۶۸، بعد وفاداری ۰/۶۹، بعد احترام به مرجعیت ۰/۷۱، بعد اخلاص ۰/۸۲. می باشد (خرازی افرا، ۱۳۹۳: ۴۷).

یافته ها و نتایج

جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد، مقادیر شاپیرو-ویلک و ضرایب آلفای کرونباخ مولفه های رشد اخلاقی و تفکر خلاق را نشان می دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد، مقادیر شاپیرو-ویلک و ضرایب آلفای کرونباخ مولفه های

رشد اخلاقی و تفکر خلاق

انگیزش درونی	میانگین	انحراف استاندارد	شاپیرو-ویلک	آلفای کرونباخ
مراقبت	۱۹/۸۶	۰/۷۶	۰/۹۴۷(NS)	۰/۸۴

۰/۸۶	۰/۹۴۷(NS)	۰/۶۴	۱۶/۱۵	انصاف (عدالت)
۰/۸۰	۰/۹۶۶(NS)	۰/۴۸	۱۸/۴۱	وفاداری
۰/۸۶	۰/۹۴۷(NS)	۰/۵۴	۱۶/۱۸	احترام
۰/۸۵	۰/۹۳۷(NS)	۰/۶۱	۱۴/۱۵	خلوص
۰/۸۵	۰/۹۶۶(NS)	۰/۶۸	۲۹/۶۷	رشد اخلاقی (کل)
۰/۸۱	۰/۹۲۶(NS)	۱/۳۶	۴۵/۸۴	تفکر خلاق (کل)

نکته : NS = غیر معنادار

نتایج حاصل از بررسی رابطه همبستگی بین رشد اخلاقی معلمان و تفکر خلاق دانش آموزان به شرح زیر است. نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می دهند که بین رشد اخلاقی معلمان و تفکر خلاق دانش آموزان در سطح معناداری داری $\alpha=0/001$ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد(جدول ۲).

جدول ۲. ضریب همبستگی در ارتباط با رشد اخلاقی معلمان و تفکر خلاق دانش آموزان

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
تفکر خلاق	-					
رشد اخلاقی	۰/۷۳۸	-				
مراقبت	۰/۴۵۱	۰/۳۰۱	-			
انصاف	۰/۳۰۱	۰/۴۸۹	۰/۶۵۷	-		
وفاداری	۰/۳۲۱	۰/۴۱۶	۰/۷۲۵	۰/۵۰۲	-	
احترام	۰/۲۳۵	۰/۹۶۶	۰/۸۵۳	۰/۸۷۱	۰/۸۳۵	-
خلوص	۰/۳۱۹	۰/۹۷۵	۰/۸۵۹	۰/۷۱۳	۰/۵۳۲	۰/۸۷۹

$P < 0/01$

همچنان که در جدول ۲ دیده می شود نمرات تفکر خلاق دانش آموزان به صورت مثبت و در سطح معنی داری ۰,۰۱ با رشد اخلاقی معلمان و مولفه های آن همبستگی مثبت دارد. به منظور پیش بینی

رابطه بین رشد اخلاقی معلمان و تفکر خلاق دانش آموزان از روش تحلیل رگرسیون استفاده شد که نتایج این تحلیل در زیر ارائه شده است (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بین رشد اخلاقی معلمان و تفکر خلاق دانش آموزان

شاخص آماری	همبستگی	R2	R2 تعدیل شده	SE	F	sig
مقدار	۰/۷۳۸	۰/۷۱۵	۰/۷۰۴	۶/۳۹۲	۱/۲۶۹	۰/۰۰۱

نتایج به دست آمده نشان می دهد که میزان همبستگی متغیر تفکر خلاق در یک ترکیب خطی همزمان با رشد اخلاقی معلمان برابر با ۰/۷۳۸ است که به معنای رابطه مثبت و معنی دارد دو متغیر می باشد. همچنین ضریب تعیین حاصل برابر با ۰/۷۱۵ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۰۴ گزارش شده است، یعنی حدود ۷۱ درصد از واریانس تفکر خلاق در دانش آموزان از طریق رشد اخلاقی معلمان تبیین و توجیه شده است (سطح معناداری ملاک $P \leq 0,05$ است).

بحث و نتیجه گیری

باتوجه به این که یکی از مهم ترین ابعاد سنجش عملکرد معلمان را می توان عامل میزان پایبندی آن ها به اصول و رفتار اخلاقی و حرفه ای قلمداد نمود که می تواند تاثیر چشمگیری، هم از نظر ارتقای بهره وری معلمان و هم در تغییر نگرش دانش آموزان داشته باشد نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که میزان همبستگی متغیر تفکر خلاق با رشد اخلاقی معلمان مثبت و معنی دارد می باشد و حدود ۷۱ درصد از واریانس تفکر خلاق در دانش آموزان از طریق رشد اخلاقی معلمان تبیین و توجیه شده است. به این معنا که هرچه معلم از رشد اخلاقی بیشتری برخوردار بود دانش آموزان از تفکر خلاق بیشتری نیز برخوردار بودند. در تبیین بیشتر موضوع باید گفت هر حرفه و شغلی که به طور مستقیم با کودکان برخورد دارد نیازمند اخلاق می باشد هرچند اخلاق در همه مشاغل ضروری است اما در حرفه معلمی این عامل ضرورت بیشتری دارد، چرا که رفتار معنوی و توأم با مسوولیت معلم با دانش آموز نقش موثری در بهبود تفکر خلاق آنان دارد لذا حرفه آموزگاری و تدریس بر پایه اخلاق استوار است نتایج مطالعات حاضر با اکثر مطالعات انجام شده، صاحب نظران و پژوهشگران منطبق بود. پژوهش های زیادی در زمینه تاثیر اخلاق بر سازه های روان شناختی انجام شده است و بیشتر نشان دهنده تاثیر مثبت آن بر بهداشت جسمانی و روانی است. ارتباط معنادار حوزه اخلاق و تفکر خلاق که در مطالعه حاضر نیز همبستگی مثبت را نشان داد، همسو با مطالعاتی

که شامل تاثیر مثبت اخلاق بر افسردگی (پیرس^۱ و همکاران، ۲۰۰۳: ۵۷۳)، نگرانی (فرایدنبرگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۳: ۷۲) و کیفیت زندگی (لوین^۳، ۱۹۹۶: ۴۷) بوده است. همچنین بر اساس مطالعات پیشین انجام شده در ایران (خرازی افرا، ۱۳۹۳؛ رحمانی، ۱۳۹۰ و گلستان و همکاران، ۱۳۸۲) همسو با این پژوهش است. پژوهش حاضر دارای محدودیت هایی بوده است که باید به آن ها توجه نمود. که در ذیل برخی از محدودیت های پژوهش مورد اشاره قرار گرفته است.

۱. استفاده از نمونه گیری در دسترس به دلیل محدودیت زمانی
۲. خستگی آزمودنی ها و شکایت آن ها از زیاد بودن سؤالات پژوهشی
۳. فرض پژوهشگر در ابتدای پژوهش بر این مبنا بود که در رابطه با موضوع حاضر تحقیقات همه جانبه و گسترده ای صورت گرفته اما در جریان پیشرفت پژوهش عدم وجود پیشینه کافی (خصوصاً در ایران) در رابطه با موضوع مورد بحث یکی دیگر از مشکلات پژوهش حاضر می باشد.
۴. محدودیت زمانی برای انجام پژوهش
۵. پایین بودن فرهنگ اعتماد، مسئولیت و پاسخگویی به سؤالات پژوهش در سطح جامعه
۶. محدود بودن جامعه آماری
۷. همه داده ها به کمک پرسشنامه گردآوری شد، از این رو شرایط روانی آزمودنی می توانست به شیوه پاسخ گویی او تأثیر بگذارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- رحمانی، ملیحه (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گلیفورد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- شریفی اسدی، محمدعلی (۱۳۸۸). نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان در ایران و چالش‌های فراروی آن، فصلنامه معارف عقلی، ۱۰، ۲۸-۴۳.
- قاسمی طاهر، زهرا (۱۳۸۹). تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی سوم راهنمایی بر اساس عوامل خلاقیت گلیفورد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- گلستان هاشمی، سیدمهدی (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر علم خلاقیت‌شناسی، جهاد دانشگاهی واحد صنعتی اصفهان.
- مشکلاتی، پروانه (۱۳۷۶). بررسی تأثیر تدریس بحث گروهی بر خلاقیت دانش‌آموزان سال دوم مدارس راهنمایی ناحیه ۳ اصفهان در درس علوم اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- هینز، جوانا (۱۳۸۳). بچه‌های فیلسوف؛ یادگیری از طریق کاوش‌گری و گفت‌وگو در مدارس، ترجمه عبدالرسول جمشیدیان، رضاعلی نوروزی و مهرناز مهربانی کوشکی، قم: سماء قلم.
- جوکار، ب. (۱۳۸۶). رابطه رشد اخلاقی و عملکرد شغلی پرستاران. فصلنامه دانش و رفتار، ۱۷، ۳۲-۴۵.
- حسینی، ح. (۱۳۸۴). نقد نظریه رشد اخلاقی پیازه و گولبرگ و باندورا و ارایه الگویی نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ایران. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۱، ۱۰۴-۷۵.
- خرازی، م؛ مشهدی فراهانی، م؛ فاطمی، م. (۱۳۹۵). پیش‌بینی تحمل مراقبت از بیماران بر اساس رشد اخلاقی پرستاران. سومین کنفرانس ملی روانشناسی اجتماعی ایران.
- خرازی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه رشد معنویت و چگونگی مقابله با شرایط پر استرس در پزشکان. فصلنامه علوم پزشکی، ۲۴، ۴۹-۵۳.
- شعاری نژاد، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه اخلاق حرفه‌ای با جو سازمانی. فصلنامه دانش و رفتار، ۱۸، ۹-۱۴.
- نوابخش، م. (۱۳۸۵). نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان، فصلنامه پژوهش دینی، ۱۴، ۷۱-۹۴.
- Athens, V., Scott, I. (2009). Using Health Belief Model to Reduce Obesity amongst African American and Hispanic Populations. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 159, 40-86.

- Frydenberg, A., Barbosa, D., Bettencourt, A. R., Diccini, S., Sesso, R. (2003). Quality of life of family caregivers of elderly patients of hemodialysis and peritoneal dialysis. *Journal of Kidney Dis.* 48(6): 56-89.
- Girift, M. (2002). Understanding the impact of stress, irrational health beliefs, and health behaviors among adults 18-45. Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy Health Psychology, Walden University.
- Girift, M. (2002). Health beliefs, treatment preferences and complementary and alternative medicine for asthma, smoking and lung cancer self-management in diverse Black communities. *Patient Education and Counseling.* 89, 43-145.
- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H. (2007). Mapping the moral domain. *Journal of Personality and Social Psychology.* 101: 366-385.
- James, A., Adachi, S., Morita, M., Tokumasu, M., Natsume, T., Suzuki, T., & Wales, T. (2003). Post-transcriptional Stabilization of Ucp1 mRNA Protects Mice from Diet-Induced Obesity. *Cell reports.* 13(12), 24-97.
- Levin, M. E., Czurylo, K., Epsom, R., Gattuso, M., Stark, B., Zastrow, P., Basu, S. (1996). Nurses' Work Environment and Spirituality A Descriptive Study. *International journal of caring sciences.* 2(3):25-56.
- Pearce, A., Remover, S. J., Burdorf, A. (2003). The importance of internal health beliefs for employees' participation in health promotion programs. *Preventive Medicine.* 67, 546-583.
- Wales, G. I., Soundy, A., Robertson, A., Burge, P. S., Ayres, J. G. (2003). Understanding health beliefs and behaviour in workers with suspected occupational asthma. *Journal of Respiratory Medicine.* 109, 16-89.